

سخنرانی تلویزیونی میخائیل گورباچف



روز شنبه نهم فروردین (بیست و نهم مارس) دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در برنامه اخبار تلویزیون شوروی سخن گفت. او سخنان خود را چنین آغاز کرد:

در دیدار امروزان می خواهم برخی ملاحظات را پیرامون اعلام مراتبیم از سوی اتحاد شوروی روی آزمایش های هسته ای با شما در میان بگذارم.

چند روز پیش ایالات متحده آمریکا یک آزمایش هسته ای دیگر انجام داد. برای همه ما آشکار است که این لحظه تصادفی انتخاب نشده بود. انفجار در آستانه پایان مهلت مراتبیم یک جانبه اتحاد شوروی صورت گرفت. دیروز اعلام شد که در چند روز آینده یا بزودی یک وسیله هسته ای دیگر توسط ایالات متحده آمریکا منفجر می شود. مردم شوروی، همانند دیگر مردمان با حسن نیت در همه کشورها از این بقیه در ص ۲



شماره ۹۷ دوره هشتم
سال دوم - ۲۱ فروردین ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

بن بست جنگ

وعوامفریبی برای سر بازگیری

در پی حملات و لشکرکشی های پسیایی رژیم در جبهه ها و به کشتن دادن هزاران جوان و نوجوان از جمله در حمله های والفجر ۸ و ۹ و گسترش دامنه ناخشنودی و اعتراض مردم نسبت به ادامه جنگ، دیگر بار خمینی و سایر سرمداران رژیم و مجموعه دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی، آوازه گری و میاهوی بسیار و از جهاتی بی سابقه را برای ادامه جنگ به راه انداخته اند.

هنوز خون قربانیان پر شمار عملیات اخیر خشک نگردیده و پیکر متلاشی شده آنها به خاک سپرده نشده که رژیم برای ادامه فعالیت های جنگی خود و به راه انداختن سیل دوباره خون انسانی، زمینه چینی های همه جانبه ای را آغاز کرده است. خمینی پس از دادن فرمان کشاندن زنان به سرپازخانه ها، دربارعام اخیرش، بر فراخوان و فتوای پلید خود، یعنی ادامه جنگ " تا پیروزی " تاکید دوباره ورزید. بدنبال آن، سینار " لیبیک یا امام " برای ایجاد هماهنگی در پیشبرد نقشه های توسعه طلبانه رژیم تشکیل گردید. در این سینار، از جمله خامنه ای خواستار استفاده " از فرصت استثنائی که اکنون در دست ... است " برای حمله جدید شد و موسوی، نخست وزیر نیز گفت که " دولت تمام تلاش های خود را " در زمینه ادامه جنگ بعمل خواهد آورد.

بالا گرفتن موج تبلیغاتی جدید رژیم برای کشاندن جوانان و نوجوانان به جبهه ها و داغ نگه داشتن تنور جنگ دارای عناصر نوین و پر اهمیت است. قبل از هر سخنی باید خاطر نشان ساخت که کارزار وسیع تبلیغاتی کنونی رژیم جمهوری اسلامی که با استفاده کامل از همه سلاح های موجود در زادخانه تبلیغاتی و ایدئولوژیک آن، براه افتاده، بخودی خود نشان می دهد که رژیم در بن بست خروج ناپذیر ادامه جنگ گیر کرده است. بقیه در ص ۵

همبستگی جهانی با

توده ای های در بند هلند

به دنبال انتشار اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در هلند درباره شرایط ترور و خفقان حاکم بر ایران و بویژه برخورد غیر انسانی حاکمیت ج.ا. با زندانیان سیاسی، حزب کمونیست هلند و دیگر نیروهای مترقی این کشور، و نیز سازمان های احزاب کمونیست و برخی دیگر از نیروهای مترقی کشورهای مختلف در هلند، متن زیر را امضاء کردند:

" بدینوسیله حمایت کامل خود را از اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در هلند اعلام کرده، موافقت کامل خود را با خواسته های زیرین اعلام می داریم:

۱- یک هیئت بین المللی متشکل از پزشکان و حقوق دانان از زندان های ایران بازدید کرده، وضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد بررسی و تحقیق قرار دهند. بقیه در ص ۳

پیام شادباش حزب توده ایران به

هفدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا

رفقای عزیز به مناسبت برگزاری هفدهمین کنگره حزب شما، به شما از طریق شما، به تمام اعضای حزب کمونیست ایتالیا و تمام مردم ترقی خواه و مهربان دوست کشورتان صمیمانه شادباش می گوئیم.

هفدهمین کنگره حزب شما زمانی برگزار می شود که خطر یک جنگ دهشتناک هسته ای، مجموعه تمدن بشری و حیات انسانی را در معرض مخاطره قرار داده است. در این مقطع از تاریخ، مهمترین وظیفه ای که در برابر بشریت مترقی قرار دارد، دفاع از صلح است که بزرگترین کام بقیه در ص ۵

بیاموزیم - افشاکنیم - سازمان دهیم

کنترل نامه ها و روش مقابله با آن

در ص ۴

بلوچ

فرزند باد و بوته و تنهایی کبیر
آزاده بلوچ

یکان میوه کویر.

سخت و گره گرفته و بیجان
روئیده همچو " گز "

افشانده ریشه در چکر خاک چون " گون "
جان تشنه، گرسنه.
هرسو کشیده، تن.

زیر سیاه چادر و آلونک و کپز

آورده شب، بسر.

برفرشی از زمین

کنج سرای تنگ

پیش اچاق سنگ.

اینک

بیدار و رهشناس و دگرگو

می آید

پوشیده موی و روی به دستار

تا پرده بردرد زستم های روزگار.

می آید

در قامت قیام

پُرکین به شیخ و شاه و پُهرخانِ خویشکام

می افشرد بچنگ

قنداقه تفنگ.

بنگر بدان غبار افق سای اوچگیر

بنگر به گردباد

اینک گل کویر!

سیاوش کسرابی

دی ماه - ۱۳۶۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سخنرانی تلویزیونی...

اعمال ایالات متحده آمریکا خشمگین شده اند. آنان در این باره به کمیته مرکزی حزب نامه می نویسند و خواهش می کنند وضع ایجاد شده مورد ارزیابی قرار گیرد. می پرسند این رویدادها را چگونه باید فهمید؟ چه نتایجی باید گرفته شود؟ چرا ایالات متحده این کام را برداشت؟ در این شرایط رهبری کشور چگونه می خواهد عمل کند؟

ما وظیفه خود می دانیم به این پرسش ها پاسخ دهیم. این در واقع علت دیدار امروز من با شماست.

صادقانه خواهم گفت که ما اعمال کنونی دولت آمریکا را که آزمایش های هسته ای را علیرغم خواست های مصرانه خلق ها ادامه می دهد، به مثابه تحریک علنی نسبت به اتحادشوری نگاه می کنیم، آنهم نه فقط نسبت به اتحادشوری بلکه نسبت به همه خلق ها و از جمله نسبت به خلق خود.

اینک که در جهان، کوه هایی از مواد قابل انفجار هسته ای رویهم انباشته شده، مسئله قطع آزمایش های هسته ای اهمیت عظیمی کسب می کند. و این قابل درک است.

در جای نخست، قطع آزمایش های هسته ای واقعی ترین راه برای دستیابی به قطع مسابقه تسلیحاتی است. بدون این آزمایش ها، نه می توان جنگ افزارهای قدیمی را مدرنیزه کرد و نه انواع تازه ای از آنها را ساخت.

سخن کوتاه، اگر همراه با ایالات متحده آمریکا و دربرگیر دولتهای هسته ای موافقت کنیم که انفجارهای هسته ای را قطع نماییم، این اجازه خواهد داد که مجموعه روند خلع سلاح هسته ای از نقطه مرگ خارج شود.

دیگر این که، ادامه این آزمایش ها زبان های بسیار بزرگ و شاید هنوز بطور کامل مطالعه نشده ای را به محیط زیستی که همه ما در آن زندگی می کنیم، وارد می سازد. مگر خود را مکلف نمی بینیم برای خانه خویش دلسوزی کنیم؟ و نه فقط بخاطر خود بلکه بخاطر فرزندان و نوادگانمان.

و بالاخره، در این امر دشوار مجبور نیستیم از صفر آغاز کنیم. راه معینی پیموده شده و تجربه مشترک انباشته گردیده است - این را در نظر دارم که دیگر سال هاست نه در جو، نه در آب و نه در روی زمین آزمایش هسته ای صورت نمی گیرد در فضای کیهانی نیز انفجارهای اتمی انجام شده است.

بادنظر گرفتن این اوضاع و احوال و ارزیابی بادقت همه چیزهای "موافق" و "مخالف"، هشت ماه پیش، در روز چهلمین سالگرد تراژدی هیروشیما و ناگازاکی، اتحادشوری دست به ابتکار فوق العاده مهمی زد: قطع کردن همه آزمایش های هسته ای، چه برای منظورهای نظامی و چه مسالمت آمیز، و دولت ایالات متحده آمریکا و دیگر دولت های هسته ای را فراخواند از سرمشق او پیروی کنند تا در راه

خلع سلاح هسته ای کام برداشته شود.

رفیق گارباچف سپس گفت: ما درحالی که به این شیوه عمل کردیم، این اعتقاد را سخ رهنمون ما بود که دنیا به چنان مرحله ای رسیده است که خواهان برخورد های نوین نسبت به مسائل امنیت بین المللی است. امروز، در عصر هسته ای - فضائی، نباید با مقولات گذشته اندیشید. آخر و عاقبت همه باید درک کنند که همه چیز از بیخ و بن دگرگون شده است. و اکنون نه تنها مسئله حفظ صلح بلکه همچنین مسئله زنده ماندن بشریت در میان است.

درواقع دلایل تصمیم ما مبنی بر اعلام مراتبیم یک جانبه روی آزمایش های هسته ای این ها بودند.

باید با خشنودی فراوان بگویم که ابتکار خوب اتحاد شوروی تفاهم و تحسین گسترده ای را برانگیخت. اقدامات ما با ارزیابی والا از سوی زحمتکشان همه کشورها، کمونیست ها، سوسیال دمکرات ها، لیبرال ها و محافظه کاران، مسیحیان و مسلمانان، بسیاری سازمان های اجتماعی، نمایندگان علم و فرهنگ و میلیون ها مردم ساده روپروشد.

و اما طرف دیگر چه کرد؟ دولت ایالات متحده آمریکا را در نظر دارم.

در حرف، این دولت موافق نابود کردن جنگ افزار هسته ای است. از سوی آنها اظهارات بسیاری درباره این موضوع شد. اما در عمل تضاد میان گفته ها و سیاست عملی نمایان گردید. علیرغم فراخوان و نمونه اتحادشوری و خواست های مصرانه هم خلق آمریکا و هم خلق های سراسر جهان، دولت آمریکا انجام آزمایش های هسته ای را ادامه می دهد.

ما امیدهای معینی به دیدار با رئیس جمهور آمریکا بسته بودیم. حساب می کردیم با اودراین مسئله نیز به توافق برسیم. همانطوری که به یاد دارید، دوطرف هم جدا جدا و هم مشترکا اظهارات امیدوارکننده ای در آنجا کردند؛ که جنگ هسته ای مجاز نیست، که پیروزی در چنین جنگی امکان ندارد، که طرفین برای کسب برتری هسته ای تلاش نخواهند کرد.

نتایج دیدار ژنو ما را تشجیع کرد کام دیگری نیز از روی حسن نیت برداریم و مراتبیم را تا ۲۱ مارس سال کنونی تمدید کنیم. بدین ترتیب برخورد مسئولانه خود را نسبت به گفتگو میان سران دو دولت عملا تا کید کردیم و البته امیدوار بودیم دولت آمریکا نیز کام هایی همانند آن بردارد.

رفیق گارباچف در ادامه سخنان خود افزود: هنگام برداشتن این کام کوچکترین توجهی به آنچه که روزنامه نگاران در این گونه موارد انباشتن " امتیازات " تبلیغاتی می نامند و یا فریفتن طرف دیگر، نداشتیم.

ما برآنیم که چنین برخوردی در مورد مسائل سیاسی حاد معاصر مجاز نیست. اعمال ما از مسئولیت مان در برابر خلق شوروی و در برابر دیگر خلق ها، از مسئولیت برطرف کردن تهدید هسته ای و برای حفظ و تحکیم صلح، سرچشمه میگیرد

در ماه فوریه رهبران شش کشور بی طرف در حالی که افکار عمومی اکثریت قاطع مردم جهان را بیان می کردند با پافشاری از رهبران اتحادشوری و ایالات متحده خواستند در دوران پیش از دیدار مجدد شوروی - آمریکا از آزمایش های هسته ای خودداری کنند. ما موافقت خود را با آنها اعلام کردیم.

این انتظار طبیعی بود که دولت آمریکا با اقدامات علنی، ابتکار اتحادشوری را مورد پشتیبانی قرار دهد و انتظارات خلق ها را رعایت کند. و در حساب آخر، درست با عمل خود اظهارات خویش را در ژنو تأیید کند. اما چنین نشد.

همه چیز حاکی از آن است که گروه حاکم در ایالات متحده آمریکا منافع نامشروع محافل نظامی - صنعتی را بالاتر از منافع تمام بشریت و خلق خویش قرار داده است. ضمنا این هم کم اهمیت نیست که تمام این کارها چگونه انجام می گیرد: با به رخ کشی، خودپسندی و بی اعتنائی به افکار جامعه جهانی. نه درک واقعیت و نه احساس مسئولیت!

و پیوسته آشکارتر می شود که محافل حاکم ایالات متحده آمریکا همچنان روی مشی نظامی گری و اعمال زور حساب می کنند تا اراده خود را به دیگر کشورها و خلق ها تحمیل کنند. در عین حال با چارکشیدن اعلام می کنند که به همین طریق روی سیاست اتحادشوری نیز تاثیر خواهند گذاشت.

در ارتباط با این چه می توان گفت؟ اینها کوشش هائیکست با افزارهای نامتناسب. تا بحال هیچکس و هیچگاه از کاربرد شیوه های زورمداری علیه کشور ما سودی نبرده است، و اینک این گونه کارها صاف و ساده مضحک است.

و خلق های درگیر کشورها هم پیوسته فعالانه تر سیاست زورگویی در مناسبات بین المللی را که زمانش دیگر سپری شده است، رد می کنند. در برابر رهبری سیاسی شوروی اکنون پرسش نه چندان ساده ای مطرح می شود: در برابر اینگونه رفتار ایالات متحده آمریکا چگونه واکنش نشان دهد.

موضع ما روشن است. ما برآنیم که جهان وارد دوران تصمیم گیری های مسئولانه شده است. آری، دوران تصمیم های مسئولانه. ما از مشی حفظ و تحکیم صلح که بطور مشخص از سوی کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحادشوری نیز تأیید گردید منحرف نخواهیم شد. دولت شوروی، درحالیکه اراده خلق خود را تحقق می بخشد، در آینده نیز تلاش های خود را برای تضمین امنیت عمومی افزون خواهد کرد. ما این کار را ضمن همکاری با همه کشورها و خلق ها انجام خواهیم داد.

در مورد مراتبیم یک جانبه، ما می توانیم بگوئیم که تا ۲۱ مارس ۱۹۶۶ به قوت خود باقی است.

اما پس از این تاریخ هم، همانطور که اعلام شده بود، ما انفجار هسته ای انجام نخواهیم داد. بقیه در ص ۶

همبستگی جهانی ***

۲- دادگاه‌ها باید علنی باشند و خبرنگاران داخلی و خارجی امکان‌یابند که در جلسات دادگاه‌ها شرکت کنند.

۳- زندانیان و بازداشت‌شدگان باید امکان داشته باشند که وکیل مدافع خود را مستقلاً انتخاب کنند.

" حزب کمونیست هلند " ، " حزب سیاسی رادیکال‌ها " ، " حزب کمونیست‌های هلند " ، " اتحادیه دانشجویان دانشگاه آمستردام " ، سازمان " پیام سرکشاده " ، " حزب سوسیالیست مسالمت‌جو " ، " جنبش زنان برای صلح " ، کمیته بین‌المللی " ماریانلا گارسیا " ، سازمان‌های احزاب کمونیست ایتالیا، شیلی، عراق، یونان و پرتغال در هلند، " جامعه یونانی‌های مقیم آمستردام " ، " جبهه متحد سوسیالیستی ترکیه " و " فدراسیون یونانی‌های مقیم هلند " از زمره امضاءکنندگان اطلاعیه بالا هستند.

فرانسه

شخصیت‌های برجسته فرانسوی فراخوان زیر را خطاب به تمامی سازمان‌های دموکراتیک و مدافعان حقوق بشر در فرانسه منتشر کردند:

" مردم ایران درگیر جنگی بیهوده ، رژیمی اختناق‌ی و قرون وسطایی و قوانینی پوسیده و بربر منشاء هستند. بیش از صد هزار نفر از مخالفان رژیم ، اعم از زن و مرد آزادی خواه ، توده‌ای ، فدائی ، مجاهد و کرده ، در زندان‌های رژیم ج.ا.و در چنگال جلادان به سر می‌برند. تاکنون هزاران تن یا زیر شکنجه کشته شده و یا اعدام گردیده‌اند. چنین بیدادگری‌هایی به مقابله تهدید و حشتناک مجموعه بشریت است.

اخیراً خبرهای نگران‌کننده‌ای در زمینه کشتار مبارزان در سیاه‌چال‌ها، بویژه کشتار زندانیان توده‌ای در زیر شکنجه که از مدت‌ها پیش در زندان‌ها به سر می‌برند، شنیده می‌شود. ما امضاءکنندگان فراخوان تصمیم گرفته‌ایم تمام سازمان‌ها و شخصیت‌هایی را که خود را موظف به حفظ حقوق بشر می‌دانند گرد آوریم و خواستار آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی، بازداشت‌شدگان و نمایندگان سازمان‌های بشر دوست از زندان‌ها و آگاه شدن از سرنوشت دستگیرشدگان مفقودالاثر شویم.

امضاءکنندگان عبارتند از: درفوس (دبیرکل انجمن حقوق دانان دمکرات فرانسه)، ل. تارسو (دبیرکل اتحادیه بین‌المللی دفاع از حقوق آزادی خلق‌ها)، پ. برسی (دبیرکل حقوق سوسیالیستی بشر)، م. میدی، ر. پیرلیکن، ه. لوک (از سناتورهای کمونیست)، ژ. مورو و ر. لوگن (از امضاء هیئت سیاسی 'حزب کمونیست فرانسه'، ژ. والبن (رئیس شورای محلی سن دنی)، ف. ورتز (نماینده کمونیست عضو پارلمان اروپا)، پ. امر (رئیس شورای شهر مون‌روژ)، ژ. پرو (دبیرکل

به یاد پروین اعتصامی

به مناسبت چهل و پنجمین سالروز درگذشت پروین اعتصامی (۱۶ فروردین ۱۳۲۰)

در آسمان ادب ایران، زنان بسان ستاره سهیل دیر به دیر رخ می‌نمایند و پروین اعتصامی یکی از این ستارگان است.

درنگ دیرپای نظام فئودالیسم و فرمانروایی حکام و افسرکرا در کشور ما موجب آن شده که زنان دچار ستم مضاعف شوند. از جمله ستم‌هایی که از دیرباز تاکنون بر زنان رفته و می‌رود، بستن راه ورود آنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و نیز شرکت در کار و تولید است. از اینرو، در ایران - در دامان مردم هنردوست و ادب‌پرور ما، از جمله در پهنه شعر بسختی با چهره‌های درخشانی مانند پروین اعتصامی روبرو می‌شویم.

پروین، شاعر دوران رضاخانی، شاعر عصر اختناق و خودکامگی و ستم‌رانی، عصر بریدن زبان‌های گویا است. پروین شاعر دورانی است که "دهخدا" و "نیما" در انزوای کامل به کارهای بزرگ خویش می‌پردازند، "بهار" زندانی است، صادق هدایت برای سایه به دیوار افتاده خویش می‌نویسد، فرخی یزدی را دهان می‌دوزند و "ارانی" در زیر شکنجه دژخیمان جان می‌بازد.

در چنین روز و روزگاریست که پروین زبان به تمثیل می‌گشاید و با اختیار کردن شیوه‌مناظره در شعر، زشتی و بدی و بد کرداری را می‌گوید و ناروایی را نکوهش می‌کند. گرچه لحن ادیبانه پروین - در قصایدش که آنرا همسنگ ناصر خسرو و در قطعاتش که چونان سعدی می‌دانند - با ما معاصر نیست، ولی مضامین شعرهای او همه امروزی و ملموس هستند. این شکوه دختر فقیری است که به درد می‌نالند:

پدرم مرد زبی داروئی

وندزین کوچه سه داروگر هست

جنبش جوانان کمونیست فرانسه، پاترونو (عضو کمیته مرکزی جنبش جوانان کمونیست و مسئول دانشجویان کمونیست فرانسه)، ژ. وایان (عضو کمیته مرکزی جنبش جوانان کمونیست فرانسه)، فرانس وی (حقوقدان کمونیست)، ر. پیکونال و ب. ژو فریدلت (رئیس و دبیر اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه) و پیر برباسنی (مسئول روابط بین‌المللی این اتحادیه)، پروفیسور ژان ری (رئیس دانشگاه پاریس)، رنه دکارت ("سن دونی")، ک. فریو (رئیس دانشگاه پاریس ۸ - "سن دونی")، "ف. ری (دکتر مسئول تحقیقات اینسترم دانشگاه پاریس - "رنه دکارت" و کلود پرو (وکیل مسئول کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و مبارزه با اختناق در ایران).

تنگنای خفقان بار محیط رضاخانی با سنن ارتجاعی حاکم بر آن، حتی در خانه یک مرد فرهنگی همانند خانواده یوسف اعتصامی، پدر ادیب و نویسنده و مترجم پروین، که از روشنفکران زمان خویش بود، چنان پرتوئی می‌افشاند که پیش و شناخت اجتماعی - سیاسی پروین تا رسیدن به قله اندیشه‌های اجتماعی یعنی سوسیالیسم علمی اوج می‌گیرد. با این وجود این زن آزاده با نگرش مردم‌دوستانه‌اش در برابر هر آنچه نامردمی است بپایم خیزد و به "رنجبران" صلا در می‌دهد که با "زالو" های اجتماعی درآویزند. پروین با نیروی برحق و بزرگ جامعه یعنی رنجبران، چنین سخن می‌گوید:

دیو آرزو خودپرستی را بگیر و حبس کن تا شود چهره حقیقت بی‌حجاب ای رنجبر حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر گر که اطفال تویی شامند شب‌ها، باک نیست خواجه تیهومی کند هر شب کباب ای رنجبر هر چه بنویسند حکام اندرین محضر، رواست کس نخواهد خواستن زیشان حساب ای رنجبر جمله آنان را که چون زالو مکندت، خون بریز و ندر آن خون دست و پائی کن خضاب ای رنجبر

پروین جرئت می‌کند و در شعر تمثیلی "مست و هوشیار" تابلوی دقیقی از فساد دست اندرکاران رژیم، اعم از محتسب و قاضی و داروغه و والی و عملکردهای "شرعی" شان در زدن حد و غیره، ترسیم می‌کند. از این بالاتر، پروین خطر می‌کند و با بیانی روشن به افشاء چهره "پادشاه" می‌پردازد:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هرکوی و بام خاست پرسید زان میانه یکی کودک یتیم کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟ آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست پیداست آنقدر متاعی گرانبهاست

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت: این اشک دیده من و خون دل شماست ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این کرک سال هاست که با کله آشناست آن پارسا که ده خورد و ملک، رهنزست آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست

پروین اعتصامی ستاره سهیل آسمان شعر ایران بود که دیر رخ نمود. اما دریغ و درد که زندگی او دیری نپایید و در ۱۶ فروردین ۱۳۲۰، در سن ۲۴ سالگی چشم از جهان فرو بست، از وی دیوانی سرشار از شور و احساس و اندیشه‌های شریف انسان‌دوستانه در قالب اشعاری شیوا، با زبانی ساده، پاک و سترده از آرایش بجای مانده است.

نام و یادش گرامی باد!

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

بیاموزیم - افشاکنیم - سازمان دهیم

کنترل نامه ها و روش مقابله با آن (۱)

بر هیچ کس پوشیده نیست که دشمن برای کشف شیوه و ساختار سازماندهی و چگونگی ارتباط های درون سازمانی نیروهای انقلابی و شناسائی شبکه ها و هسته های مبارز، ضمن تلاش برای نفوذ در آنها، می کوشد تا از طریق کنترل تماس ها، بسیاری از اطلاعات و سرنخ های مورد نظر خود را بدست آورد. کنترل تماس ها اشکال و شیوه های گوناگونی می تواند داشته باشد. از جمله: کنترل نامه تلگراف و تلفن، بکارگیری وسائل شنود و گوشداری و همچنین کنترل تماس های شخصی و تحت تعقیب و پیگرد قرار داده مبارزان انقلابی و افراد مظنون. بدون تردید تماس حضوری، مطمئن ترین وسیله تماس گیری است. ولی با توجه به دشواری های زائیده شرایط فرامانروائی رژیم ترور و اختناق پلیسی، از جمله می توان از طریق نامه نگاری و با استفاده از شیوه رمز نویسی و نامرئی نویسی تماس برقرار کرد. بویژه در اوضاع و احوال کنونی که امکان تماس گیری مستقیم و منظم با مرکز حزب برای همه رفقا و هسته های حزبی وجود ندارد، برای رساندن اطلاعات و اخبار به رهبری حزب، می توان و باید از شیوه نامه نگاری استفاده کرد. البته در این زمینه باید با دقت و همه جانبه نگری و رعایت اصول پنهان کاری دست به عمل زد تا مبادا به دلیل بی دقتی ها و سهل انگاری های ما اطلاعاتی هر چند اندک بدست دشمن بیفتد.

وقتی کسی با اصول رمز نویسی آشنا شد و چند رمز گوناگون را آموخت، خود می تواند به ابتکار خود رمزهای پیچیده تری ابداع کند. نکته ای که هیچ گاه مبارزان انقلابی و رفقای عضو هسته های حزبی نباید از نظر دور بدارند، این است که حتی به کاربردن رمزهای بسیار ساده نیز کمک شایانی به اصل پنهان کاری می کند. زیرا لااقل بسیاری از مسائل را از چشم اشخاص عادی، ولی کنجکار پوشیده نگاه می دارد. اگر یک نامه عادی بدست سازمان های اطلاعاتی بیفتد ماموران اطلاعاتی در عرض چند دقیقه، یعنی پس از خواندن آن، از کلیه مفاد آن آگاهی پیدا می کنند. ولی اگر مطلب مهمی به شکل رمز نوشته شده باشد برای کشف کلیه رمز مدتی وقت لازم است و ای بسا به علت پیچیدگی رمز، این مدت زمان طولانی شود یا ماموران اطلاعاتی مرکز نتوانند کلید آنرا کشف کنند. در برخی موارد طولانی شدن زمان کشف کلید رمز می تواند پلیس را از اقدام به موقع در لحظه مورد نظر باز دارد یا تنها به اطلاعات سوخته دسترسی پیدا کند.

هنر رمز نویسی و یا انجام هرگونه کار مخفی دیگر با شکیبایی و خونسردی و دقت و وسواس و دوری از شتابزدگی پیوند منطقی و عملی دارد. هر رمزی که با عجله و بدون دقت، برای رفع تکلیف

شده باشند از گوشه پاکت به زیر محل چسباندن آن وارد کرده و با حرکت دادن ملایم و مستمر قاشقک زیر لبه پاکت، شروع به باز کردن پاکت نامه می کنند.

* طریقه بخار آب (طریقه مرطوب) - برای بازکردن نامه از شیشه دهانه کشادی که از آن دولوله خارج شده است، استفاده می کنند. در حدود یک سوم شیشه را از آب پر می کنند. بطوری که دهانه یکی از لوله ها در حدود یکی دو سانتیمتر از سطح آب بالاتر و لوله دیگر در درون آب قرار گیرد. پس از جوش آمدن آب، از دهانه لوله خنیده بخار با فشار خارج می شود. مامور اطلاعاتی محل چسب پاکت را جلوی بخار نگاه می دارد و به آسانی آن را باز می کند.

* طریقه آب خشک کن - نواری به عرض یک سانتیمتر از کاغذ آب خشک کن بریده و پس از مرطوب کردن آن روی محل چسباندن پاکت می گذارند. پس از پنج تا ده دقیقه پاکت به آسانی باز می شود. در صورتی که چسب خود راوانداد، نوار آب خشک کن را مجددا مرطوب کرده و مدتی صبر می کند.

* طریقه بازکردن پاکت های، که روی آن نوار چسب زده شده است - با قلم موی باریک و مقداری بزین سفید چسب های نواری (مشهور به "اسکاج") را خیلی آسانتر از چسب معمولی باز کرد.

افزون بر این روش های باز کردن و کنترل نامه که کم و بیش در ایران رایج است، هم در گذشته و هم در حال حاضر از دستگاه های مدرن کنترل نیز استفاده شده و می شود. شایان بیان است که اخیرا وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی، از یکی از کشورهای امپریالیستی دستگاه مخصوصی برای کنترل نامه خریداری کرده است. طرز کار این دستگاه به قرار زیر است: نامه از استوانه های پیچ در پیچ این دستگاه عبور داده می شود و در گذر از هر پیچ در معرض تابش نور بسیار شدید قرار می گیرد. تابش نور تا آن اندازه شدید است که بدون آنکه نیازی به بازکردن نامه باشد، متن آن قابل رویت است. در شرایط کنونی از این دستگاه در پست مرکزی تهران بهره برداری می شود. در ضمن پاکت نامه های آستردار قابل رویت نیستند. از این رودر چنین مواردی ماموران اطلاعاتی با استفاده از شیوه های پیشگفته نامه ها را کنترل می کنند.

گونه های مختلف کنترل نامه

در سطح جهان سازمان های اطلاعاتی از جمله وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای کنترل نامه ها از روش های گوناگونی استفاده می کنند که ما در زیر چند نمونه از آنها را یادآور می شویم:

* کنترل مستمر - سازمان های اطلاعاتی دشمن، پس از آن که به طرق گوناگون به آدرس هایی در ارتباط با محل زندگی و فعالیت نیروهای انقلابی در داخل و خارج از کشور دست می یابند، لیست سیاهی از آنها تهیه میکنند و در بقیه در ص

و حفظ ظاهر نوشته شود، نمی تواند رمز باشد. از همه بدتر این که، چنین بی دقتی هایی نه تنها به شکل مطلب و دستیابی به یکی از اسرار سازمانی و حزبی می انجامد، بلکه به دشمن امکان می دهد تا به کلید رمز نیز دست یابد و بدین سان تماس ها و ارتباط های بعدی نیز در معرض خطر جدی قرار گیرد. در واقع اگر پیامی رمز نشده ارسال شود، احتمال دارد که فقط همان پیام کشف گردد، ولی در صورتی که بدون دقت رمز نویسی و فرستاده شود، احتمال آن وجود دارد که هم پیام و هم کلید رمز کشف گردد.

کار رمز نویسی برای ارتباط های پستی در کشور ما بایستی با احتیاط زیاد و با بکارگیری شیوه های دشمن فریب انجام گیرد. زیرا، با اینکه ممکن است در چارچوب ارتباط های متقابل رمز قرار دادی پیچیده ای نوشته شود و "کشف آن غیر ممکن" باشد لیکن به محض این که ثابت شود که نامه ها با رمز نوشته شده است، گیرنده آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت. ماموران بررسی و کنترل همیشه به نامه هایی که در آنها قیمت اجناس و یا اندازه لباس و یا مشخصات چیزهای دیگر نوشته شده باشد، مشکوک شوند. درباره شیوه های رمز نویسی در آینده بطور جداگانه سخن خواهیم گفت.

الف - کنترل: در پستخانه در تهران تحت نظر وزارت اطلاعات بخش ویژه ای برای بررسی و کنترل نامه ها وجود دارد. در این بخش گروهی از ماموران اطلاعاتی در پوشش کارمندان عادی سرگرم کار هستند و وظیفه آنها بازکردن نامه ها و آگاهی یافتن از مضمون آنهاست.

در کنار این گروه، گروهی دیگر هستند که کار آنها خط شناسی است. هسته مرکزی این گروه را "کارشناسان ورزیده ساواکی که در سازمان های "جاسوسی امپریالیستی دوره دیده اند و به انقلاب پیوسته اند"، تشکیل می دهند.

برای آشنایی با روش کار ماموران اطلاعاتی متمرکز در پست تهران، به ذکر چند نمونه از طرز کار آنها می پردازیم:

نحوه بازکردن نامه ها

* طریقه میله ای - در روی میله باریکی مانند میل کاموایی شکاری به طول تقریبا ۲۰ سانتیمتر و به عرض یک میلیمتر و به عمق ۲ میلیمتر ایجاد می کند و این میله را از زاویه بالای پاکت که معمولا چسبیده شده است بطور افقی وارد کرده و لبه نامه داخل پاکت را داخل شیار جای می دهند. با پیچیدن نامه به دور میله و بیرون کشیدن آن بدون آن که پاکت را باز کنند نامه را بیرون می آورند. پس از خواندن آن دومرتبه با همان طریق نامه را بدور میله می پیچند و داخل پاکت جای می دهند.

* طریقه قاشقک (طریقه خشک) - قاشقک چوبی مانند قاشق بستنی را که لبه های آن تا حدی تیز

بن بست جنگ...

جنگ بدون تامین نیروی انسانی و کوهواره های جنگ افزار نی تواند ادامه یابد. از آن جایشیک رژیم در مردو زمین با اشکالات جدی روبروست، به سخن سرائی و تبلیغ درباره پیروزی ما، نه چندان دور" و "امسال سال پیروزیست" روی آورده است تا با تکرار داستانی کهنه، چنین وانمود سازد که می خواهد جنگ را به پایان ببرد. در برابر بالا گرفتن جنون جنگ طلبی سردمداران رژیم، موج اوچ گیرنده مخالفت مردم با ادامه جنگ، ابعاد هرچه وسیعتری به خود می گیرد. خمینی که دیگر پشتوانه پیشین مردمی خود را از دست داده است و هرروز پایگاه اجتماعی مدافعان سینه چاک اوامر و فتاوی او، تنگ تر و تنگ تر می شود، برای خاموش کردن صدای اعتراض صلح مردم چوب تکفیر خود را علیه مخالفان جنگ بلند می کند و با حداکثر سوء استفاده از باورهای صادقانه مذهبی مردم مخالفان جنگ را "بدتر از کافر" می نامد.

خمینی در سخنان اخیرش همچنین ادعا می کند "مردم محروم" همه مهیا هستند به اینکه این جنگ را تا پیروزی ادامه بدهند و ادامه خواهند داد. وی می گوید: مخالفان ادامه جنگ "آنهايي که اشکال می کنند، یکپاشان، حتی یک بچه شان هم نرفته است به جبهه".

درواقع خمینی با توسل به دروغ تلاش می ورزد تا طیف وسیع مخالفان جنگ را مشتکی صاحبان مال و منال جلوه گر سازد. حال آنکه بیکره اصلی جنبش مخالفان جنگ را توده های وسیع کارگران و دهقانان و زحمتکشانی تشکیل می دهند که در

کنترل نامه ها...

اختیار مراکز ویژه کنترل می گذارند. در ایران نیز چنین است سیاهی از سوی وزارت اطلاعات تهیه و به دست گروهی که در پست تهران مستقرند، سپرده شده است تا کلیه مکاتبات و نامه نگاری های مربوط به این آدرس ها تحت کنترل و بررسی دائم قرار گیرند.

*کنترل اتفاقی - این گونه کنترل به تشخیص ماموران اطلاعاتی مستقر در پستخانه انجام می گیرد. آنان ممکن است به دلایل گوناگون، از جمله شکل و حجم و وزن، به نامه ای مشکوک شوند و آن را برای کنترل و بررسی دستچین کنند.

شرایط کنونی پیامدهای شوم ادامه جنگ را با تمام گوشت و پوست خود در زندگی روزمره احساس می کنند.

توده های مردم از رفتن به جبهه ها خودداری می کنند، زیرا بدرستی این واقعیت را درک کرده اند که جنگ دستاویزی برای پیشبرد نقشه های شوم و توطئه های کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیسم و ارتجاع جهانی و واپسگرایان داخلی است. مردم نیک آگامند که بعد از بیرون راندن تجاوزگران از خاک کشورمان، جنگ دیگر خصلت عادلانه و مردمی ندارد.

درحالی خمینی به دروغ از "خواست مردم مبنی بر ادامه جنگ صحبت می کند که توده ها به اشکال گوناگون عدم استقبال و بی رغبتی خود را نسبت به ادامه آن به نمایش می گذارند. هنوز خمینی نمی خواهد باور کند که مردم دیگر با جنگی که به سود کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و امپریالیسم جهانی است، مخالفتند. به عنوان مشت نمونه خروار، بجاست سخنان یکی از اعضای "شورای اسلامی روستای خانقاه بفرآچرد از توابع شهرستان خلخال" را که در روزنامه های مجاز منعکس شده است، نقل کنیم، تا ابعاد وسیع ناراضایی مردم از ادامه جنگ روشن شود:

"شورا چطور می تواند کاری انجام بدهد یا کمک به جبهه و اعزام به جبهه بکند، خوب حقیقتا مردم سرد شده اند. ما می گوئیم کمک به جبهه. مردم می پرسند: چرا کمک به جبهه؟ ما که می بینیم چوپان شلاق می خورد، ما که می بینیم بسیجی شلاق می خورد به واسطه چه؟ چون مقابله با خوانین کرده ایم... مردم دیگر همکاری نمی کنند و ما در روستا مثل مجسمه هستیم، مردم

*کنترل نوبتی - این گونه کنترل به دو طریق انجام می شود:

الف - همه نامه هایی که از محل خاص و معینی می رسد، برای یک یا چند ماه کنترل می شود.

ب - در یکی از روزهای هفته مثلا کلیه نامه های رسیده از منطقه و یا کشور بخصوصی تحت کنترل قرار می گیرد. ممکن است این شیوه کنترل برای هر منطقه یا کشور معین به شکل نوبتی انجام شود.

*کنترل انتخابی یا شانسی - ماموران کنترل از بین انبوه نامه های موجود، تعداد معینی مثلا ۱۰۰ یا ۲۰۰ نامه را بقول معروف "چشم بسته" بیرون می کشند و آنها را با دقت می خوانند. ادامه دارد

بوروکراسی، بوروکراسی

دکتر مرنندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گفتگو با "کیهان":
"ممکن است کاری که سابقا با یک امضاء انجام می شد، الان با ۱۵ امضاء انجام بگیرد که جایش محکم باشد." ("کیهان" ۲۵ اسفند ۶۴).

مبارزه در راه صلح يك وظیفه انقلابی است

در حاشیه رویدادها

بررسی های آماری نشان می دهد که ۹۲ درصد بیکاران روستایی در کاشمر به شهرها مهاجرت می کنند و این رقم در آذربایجان شرقی به چهل تا هشتاد درصد می رسد ("جمهوری اسلامی" ۲۰ اسفند ۶۴).

دلزد شدند... عملیات خیبر که بود روستای ما ۶۰، ۵۰، اعزامی داشت. اما الان... مردم اصلا از جبهه و جنگ سرد شده اند..." ("کیهان" ۱۲/۱۲/۶۴).

رژیم علاوه بر آن که در زمینه تامین نیرو با مشکلات جدی روبروست، از جهت تامین هزینه جنگی نیز چشم انداز تیره ای را در برابر خود می بیند. بیش از ۴۰ درصد بودجه به اداره جنگ اختصاص دارد و ارقام درآمد های بودجه بر مبنای فروش نفت به قیمت هربشکه ۲۵ دلار محاسبه شده است، اما با توجه به این که قیمت نفت فوق العاده کاهش یافته است، رژیم در صورت ادامه این روند نمی تواند حتی از پس تامین مخارج جنگ برآید.

در شرایط کنونی، ناکامی های رژیم در راه به اجراء آوردن نقشه های بلند پروازانه اش را می توان و باید از طریق گسترش مبارزه ضد جنگ با شکست قطعی روبرو ساخت. یگانه راه از حرکت بازداشتن این آسیاب خون و عقیم گذاردن توطئه امپریالیستی و ارتجاعی ادامه جنگ در گرو اتحاد عمل و اقدام مشترک همه نیروهای انقلابی، ترقی خواه و صلح دوست کشور ماست. به این جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد.

پیام شادباش حزب...

در راه سوسیالیسم و ترقی اجتماعی به شمار میرود ما اطمینان کامل داریم که حزب بزرگ شما، با تکیه بر تجربه های گرانها و گسترده خود به تدوین چنان سیاستی توفیق خواهد یافت که به بهترین وجه پاسخگویی ترقی اجتماعی کشورتان و در راستای رشد و پیشرفت همه کشورهای جهان باشد.

رفقای عزیز حزب ما اکنون یکی از دشوارترین دوران های تاریخ خود را می گذارند. رژیم خودکامه "ولایت فقیه" که تجسمی است از ارتجاع و بربریت، کشور ما را به ورطه بحران ژرف اجتماعی - اقتصادی کشانده است. در زندان های جمهوری اسلامی ده ها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق به بند کشیده شده اند، هولناک ترین شکنجه ها، امرعادی تلقی می شوند. جوخه های مرگ، شب و روز در کارند. همچنین صدها هزار نفر کشته و معلول و میلیون ها نفر آواره و بیکار نتیجه جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق است. با این حال، در این شرایط بسیار دشوار، مبارزه علیه رژیم ضد مردمی حاکم بر کشور ما ادامه دارد. حزب ما، علیرغم صدمات سنگینی که بر آن وارد شده است، زنده است و در میدان نبرد حضور دارد. ما به شما اطمینان می دهیم که در راه دستیابی به هدف های بزرگ خود هرگز از پای نخواهیم نشست.

رفقای عزیز رشته یک دوستی کهن، دوحزب ما را به هم پیوند می دهد. حزب شما همیشه از مبارزه ما پشتیبانی کرده است. در شرایط کنونی نیز، بیش از هر وقت دیگر به همبستگی شما نیاز داریم. ما اطمینان داریم که پیروزی نهایی نصیب نیروهای صلح، آزادی و ترقی خواه خواهد شد، نه نمایان جنگ، جبر و بربریت.

با سلام های کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران آوریل ۱۳۶۶

در حاشیه رویدادها

داستانی نه تازه

کشمکش و تضاد میان ارگان‌های دولتی، از جمله "دادگاه‌های انقلاب" و دادگستری روزبه روز بیشتر می‌شود. در این برخی از مسئولان ناگزیر از بیان واقعیت‌هایی می‌شوند که نشان‌دهنده ماهیت ضد مردمی رژیم است. احمد عرب "دادستان انقلاب اسلامی" چیرفت و کهنوج، در ارتباط با یکی از وابستگان رژیم پهلوی که "از بدو پیروزی انقلاب به شکل موزیانه و حساب شده با بعضی از مسئولان و ارگان‌ها و ادارات جمهوری اسلامی ارتباط برقرار کرده، مورد حمایت بعضی از افراد ادارات و ارگان‌ها اعم از قضائی و اجرائی... قرار گرفته، نامبرده در چند روستا دارای زمین و املاک می‌باشد و مردم محروم و بی‌دفاع را مورد اذیت و آزار قرار داده ... خطاب به دادستان کل کشور، از جمله چنین می‌نویسد:

"این آقا به هر نحوی از انحاء اشکال تراشی و سنگ اندازی کرده و تاکنون هم کسی به وی نگفته بالای چشم شما ابرویی وجود دارد و می‌توان گفت اکثر اموال وی اعم از اراضی و باغات یا اموال منقول وی از طریق نامشروع اکتساب گردیده و نیز در نظام عدالت! جمهوری اسلامی این آقا به اراضی موات و منابع ملی که از انفال و بیت المال مسلمین است، تجاوز نموده صدها نفر دیگر از سرمایه‌داران مترف... گستاخانه به اراضی موات منطقه تجاوز نموده‌اند که چندین پرونده از طریق هیات واگذاری زمین به دادگستری ارجاع شده لاکن تاکنون به یک مورد ان هم رسیدگی نشده است. این داستانی با ارسال اولین پرونده حدود دو سال و نیم قبل قصد اقدام و رفع تجاوز را تحت عنوان غارت بیت‌المال داشت و موضوعاً به شورای عالی قضائی اعلام کرد تا اجازه آن داده شود.

شورای عالی قضائی این داستانی را از اقدام منع و اعلام داشت مربوط به محاکم عمومی می‌باشد که آنها به یک مورد هم رسیدگی نکردند، این داد را به کجا ببریم و فریاد بزیم که یک بسیجی ۱۰۰ متر زمین جای مسکونی و سرپناه نداشته باشد. و اما شاهد سرمایه‌دار شدن سرمایه‌داران و تقویت آخرین پایگاه‌های امپریالیسم آمریکا باشیم". ("کیهان" ۲۷ اسفند ۶۴).

کاردرگیری به جایی رسیده که حتی دبیر هیئت هفت نفره واگذاری زمین" و سرپرست "بنیادشدید" شهرستان ساوه به دادگاه احضار و محاکمه می‌شوند. موجدی ساوجی نماینده مجلس نیز درنامه‌ای خطاب به موسوی خوئینی‌ها دادستان کل ج.ا. به "قدرت جهانی ارباب زرو زور و تزویر" اشاره می‌کند که "در ارگان‌ها نفوذ کرده، خصوصاً توسط وکلای طاغوتی و دلال‌ها و با سوء استفاده از پیچ و خم‌های قانونی انواع مصائب و فشارها را بر مردم مستضعف و حتی

چاپ‌بازان و خانواده‌های شهدا و مردم حزب الهی وارد می‌آورند" (روزنامه "جمهوری اسلامی" ۷ اسفند ۶۴).

در این کشاکش از دادستانی دادخواهی می‌شود که بارها اظهار عجز کرده و به ناتوانی خود در زمینه جلوگیری از بیدادگری‌های اجتماعی اعتراف کرده است.

سمینار و سمینار بازی

سمینار و سمینار بازی یکی از سرگرمی‌های مسئولان ریز و درشت ج.ا. در جهت لغت و لیس از بودجه دولتی و فریب مردم با عنوان‌های دهان پرکن، اما بی‌محتواست. یک بار سمیناری زیر عنوان " بررسی ابعاد انقلاب اسلامی" در زاهدان تشکیل می‌شود، بار دیگر سمینار "حجاب و بررسی حقوق زن" در کرج به مدت ۲ روزه، بار دیگر سمینار " بررسی تئوریک شعارنه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" در مشهد و... بنا به نوشته "کیهان" ده‌ها و صدها سمینار و گردهم‌آیی (که ممکن است رقم آنها را به چند صد فقره در طول یک سال برسد. این روزنامه می‌نویسد: " مروری اجمالی بر کلیه سمینارها و گردهم‌آیی‌های تشکیل شده در شهرستان‌ها و سراسر کشور نشان می‌دهد که بطور تقریب در هر دوروز یک سمینار در ادارات و مراکز مختلف شهرستانها و استان‌های کشور برگزار شده است. یعنی ادارات تابعه شهرستان‌ها در مسابقه برگزاری سمینار واقعاً رکورد شکنی کرده‌اند زبا فاصله زیاد از مرکز نشینان سبقت گرفته‌اند." " دست‌اندرکاران و مسئولان... هستند که می‌گویند برخی از ادارات و سازمان‌های دولتی انگار بودجه و اعتبار اضافی دارند که این اعتبارات را صرف برگزاری سمینار و گردهم‌آیی‌های متعدد (!) می‌کنند."

در مورد هزینه سمیناریکی از مسئولان برگزاری سمینارهای وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی می‌گوید: " اگر هزینه متوسط برگزاری یک سمینار بسیار معمولی را با تدارک قبلی محاسبه کنیم هزینه آن تا ۱۵۰ هزار تومان می‌رسد". به اعتقاد این مسئول " گرد هم‌آیی مسئولین و کارشناسان و پذیرایی از مهمانان شهرستانی برای برگزاری یک سمینار و کنفرانس هزینه بسیار بالایی در بردارد. مثلاً یک گردهم‌آیی دو روزه ممکن است تا ۵۰۰ هزار تومان برای سازمان و یا موسسه‌ای هزینه در برداشته باشد. بدین ترتیب هزینه برگزاری سمینارها سر به میلیون‌ها می‌زند... ("کیهان" ۲۲ اسفند ۶۴).

" مهمترین دستاورد سفر رئیس جمهور!

" تاثیر شگرف عدم شرکت رئیس جمهور کشورمان در ضیافت شام رئیس جمهور زیمبابوه به دلیل عدم رعایت شئون و احکام اسلامی مهمترین دستاورد این سفر بوده است" ("جمهوری اسلامی" ۲۸ اسفند ۶۴). علت عدم شرکت خامنه‌ای در ضیافت یادشده، حضور زنانی بود که "حجاب اسلامی" را رعایت نکرده بودند. زنانی که شماری از آنها در مبارزه ضد استعماری خلق زیمبابوه اسلحه به دست گرفته بودند.

سخنرانی تلویزیونی

بشرطی که ایالات متحده آمریکا هم بدین گونه رفتار کند. باردیگر به طرف آمریکایی فرصت می‌دهیم تصمیمی مسئولانه برای قطع انفجار هسته‌ای بگیرد.

در غیر این صورت اتحادشوری آزمایش‌ها را از نو آغاز خواهد کرد. این باید کاملاً روشن باشد. ما از این جهت متأسفیم اما مجبور خواهیم بود به آن دست بزیم. زیرا نمی‌توانیم امنیت خود و امنیت متحدانمان را در نظر نگیریم. همه اینها را می‌گوییم تا چیز ناگفته‌ای در مورد این مسئله وجود نداشته باشد.

همراه با آن باز و باز باردیگر تاکید می‌کنم: قصد اصلی ما متوقف کردن تسلیحات هسته‌ایست. ساده‌ترین، روشن‌ترین و موثرترین کام در این راستا می‌تواند قطع آزمایش‌های هسته‌ای باشد. پیشنهاد کردیم بلافاصله گفتگو برای ممنوعیت کامل آزمایش با جنگ افزار هسته‌ای و از جمله مسئله کنترل آغاز شود.

برای اتحادشوری هر نوع گفتگو قابل قبول است - گفتگوهای درجانبه شوروی - آمریکا، سه جانبه با شرکت انگلستان و چند جانبه در چارچوب کنفرانس ژنودر مورد خلع سلاح.

اکنون به نتیجه‌گیری زیرین می‌رسیم: وضع خواهان اقدامات درنگ ناپذیر است. برای متوقف کردن مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای هنوز دیر نیست. برداشتن نخستین گام بزرگ در این راستا ضروری است. چنین گامی می‌تواند قطع آزمایش‌های هسته‌ای و پیش از همه از سوی اتحادشوری و ایالات متحده و همچنین دیگر دولت‌های هسته‌ای باشد. ما اهمیت عظیمی برای حل این مسئله که مربوط به سرنوشت همه خلق هاست، قائلیم.

آماده‌ام در نزدیکترین زمان با پریزدنت ریگان در لندن یا رم، در هر پایتخت اروپائی دیگری که موافقت کند ، ملاقات کنم تا در باره این مسئله توافق کنیم. موانع برطرف نکردنی در این راه نمی‌بینم - نه سیاسی، نه فنی و نه موانع دیگری. تنها احتیاج به اراده لازم سیاسی است و درک مسئولیت مشترک ما. ما پیشنهاد می‌کنیم یکدیگر را به ببینیم، درباره این مسئله مبرم تبادل نظر کنیم و دستور بدیهم موافقت نامه مورد نیاز را تدوین کنند.

میخائیل گورباچف در پایان سخنان خود گفت: زمان درنگ نمی‌شناسد. بنام خلق شوروی، خلق آمریکا، خلق‌ها و دولت‌های همه کشورها را فرا می‌خوانیم فعالان، با اقدامات عملی بکوشند تا ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای بدل به واقعیت و قاعده تغییرناپذیر مناسبات بین‌المللی شود.

بشریت به مرزی رسیده که حداکثر مسئولیت را می‌طلبد. پیامدهای مسابقه هسته‌ای می‌تواند بگونه‌ای پیش‌بینی نکردنی خطرناک شود. باید باهم اقدام کنیم. این به همه کس و هر کس مربوط می‌شود.

در حاشیه رویدادها

توطئه ضد بلغاری ...

ولی اینک آن زمان فرارسیده است که بلندگویان امپریالیستی پاسخکوی اعمال خود در این مدت بشوند. وظیفه دادگستری ایتالیاست که منابع دروغ را کشف کند و آن کسانی را رسوا سازد که کوشیدند کشورهای سوسیالیستی را به تروریسم متهم کنند.

تروریسم دزدنیای کنونی البته وجود دارد. یک چا به جان پاپ سوئد می‌کند، جای دیگر طومار زندگی ایندیبرا گاندی، نخست وزیر فقید هندوستان و مدافع بزرگ صلح را در هم می‌پیچد، و سپس اولاف پالمه نخست وزیر سوئد، یکی از مدافعان امنیت بین‌المللی را از پای درمی‌آورد. تروریسم شکل های دیگری نیز دارد. تروریسم دولتی که تبدیل به سیاست رسمی هیئت حاکمه کنونی آمریکا شده بدترین نوع آن است. مگر میلیون ها دلار در اختیار باندهای مزدور تروریست در نیکارگوئه نگذاشته‌اند و قصد پرداخت صد میلیون دلار دیگر را ندارند؟ آیا این تروریسم نیست که به قصد کشتن رهبران فلسطین باده هاوایی می‌بمب افکن به محلات مسکونی تونس حمله کنند؟ آیا دادن موشک های مدرن به ضدانقلاب افغانی و اعزام ده ها کشتی جنگی و ناو هواپیمابر به آب های داخلی لیبی و دست زدن به اقدامات نظامی تحریک نشده علیه این کشور به معنی تروریسم نیست؟ از اینجا روشن می‌شود که ریشه های تروریسم بین‌المللی را باید درست در کشورهای امپریالیستی و سازمان های جاسوسی آنها جست.

طی محاکمه اخیر روشن شد که در واقع پشت سر محمدعلی آکچاتوطئه گرانی بوده اند او با "گرگ های خاکستری" پیوند دارد. اما چه کسی از "گرگ های خاکستری" حمایت می‌کند؟ چه کسی پول در اختیارشان قرار می‌دهد؟ چه کسی به آکچا گذرنامه جعلی می‌دهد و آزادی حرکت آنها را در کشورهای اروپای غربی تامین می‌کند؟ تروریسم به کمونیست ها در کشورهای سوسیالیستی نمی‌

می‌آید به نظر خواهی همگانی گذارده است. در افغانستان دمکراتیک روز بروز پایه های اجتماعی انقلاب گسترش می‌یابد و نقش زحمتکشان در اداره امور کشور برجسته تر می‌شود. پیوسته شمار فزونتری از مردم که بر اثر تبلیغات دوروغین ضد انقلابی و اعمال جنایت آمیز باند حفیظاله امین در مرحله اول انقلاب، فریب خورده‌اند با حقیقت انقلاب ثور آشنا می‌گردند. تشکیل شورای عالی ریش سفیدان (لویه جرگه) و شورای عالی قبایل و شرکت فعال مردم در انتخابات ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی از نشانه های بارز تحکیم پایه های اجتماعی انقلاب در میان توده های هرچه وسیع تر زحمتکشان است. در همین نمونه اخیر ۹۰ درصد افراد واجد شرایط در رای دهی شرکت و ۴۱۲۰ نماینده انتخاب کردند. از مجموع نمایندگان ۵۹ درصد غیرحزبی هستند و در میان آنان نایندگان همه خلق های افغانستان از اقشار مختلف حضور

دخالت رژیم ج.ا.و ارتجاع ...

دلهی - کابل و بطور اخص کابل، پاکستان می‌تواند با تنظیم مناسبات دوجانبه با تهران به نوعی از مصونیت ... دست یابد.

خامنه‌ای "رئیس جمهور"، نیز در سفر به پاکستان در حضور همتای خود - ضیاء الحق دیککتاتور - رسماً اعلام کرد: "مسأله افغانستان با امنیت ملی دوکشور ایران و پاکستان ارتباط دارد و ما نمی‌توانیم در این مورد بی تفاوت باشیم".

جالب آنجاست که تقریباً همزمان با خامنه‌ای، سناتور "اودین هاتچ" آمریکایی نیز که در اس هیاتی وارد "اسلام آباد" پاکستان شده بود، بر ادامه کمک های ایالات متحده آمریکا به ضد انقلابیون افغانی، و دفاع از "امنیت ملی" پاکستان تأکید ورزید.

این تب و تاب رو به تازید سردمداران ج.ا.و ارتجاع منطقه و محافل امپریالیستی، نخست و قبل از همه این سؤال را پیش می‌آورد که چه عاملی این چنین دولت های ارتجاعی منطقه را به هراس افکنده و "امنیت ملی" آنها را در معرض خطر قرار داده است؟

به نظر ما پاسخ یکی و فقط یکی است: انقلاب افغانستان علیرغم دشواری های عظیم ناشی از جنگ اعلام نشده امپریالیستی و خرابکاری باندهای اشرار، با کام های مطمئن و استوار به پیش می‌رود.

در پرتو تلاشی خستگی ناپذیر، مردم افغانستان تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان بویژه طی یک سال اخیر - به دستاوردهای مهمی در عرصه های اقتصادی - اجتماعی نایل آمده‌اند.

اصلاحات ارضی بی وقفه ادامه دارد. تاکنون بیش از ۲۲۷.۹۰ خانوار دهقانی در چارچوب تعاونی های زراعتی ۶۹۵۴.۵ هکتار زمین بدست آورده‌اند. سطح تولید کشاورزی طی ۵ سال اخیر براساس قیمت های سال ۱۳۵۷، ۱۲ تا ۱۵ درصد رشد داشته است. تولید محصولات صنعتی در سال ۶۴ در مقایسه با سال ۵۹، ۲۵ درصد افزایش یافته است.

افزایش حجم درآمد ملی به میزان ۱۱ درصد و تولید ناخالص داخلی به میزان ۱۴ درصد، شاخص بارز پیشرفت های اقتصادی جمهوری دمکراتیک افغانستان است. عظمت این دستاوردها هنگامی آشکارتر می‌گردد که بدانیم خسارات مستقیم و غیر مستقیم ناشی از ویرانگری های ضد انقلاب افغانی تاکنون به ۴۰ میلیارد افغانی (واحد پول افغانستان) بالغ شده است.

کمک های بی غرضانه انترناسیونالیستی اتحادشوری عامل مهمی در تقویت و ثبات اقتصادی جمهوری دمکراتیک افغانستان به شمار می‌آید. در حال حاضر ۴۵٪ درآمدهای دولت از موسساتی حاصل می‌گردد که به یاری اتحادشوری احداث شده است.

با تکیه بر چنین دست مایه هایی به تازگی دولت انقلابی افغانستان طرح "جهت اساسی توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری دمکراتیک افغانستان برای سال های ۱۳۶۹-۱۳۶۵" را که نخستین برنامه پنج ساله پس از انقلاب ثور بشمار

بنیانگذاران ساواک بازمی‌گردند

کار جمهوری اسلامی به جایی کشیده که حتی برخی از روحانیون نیز سیاست آن را در زمینه بازگشت خان ها و زمین داران بزرگ به روستاها مورد اعتراض قرار می‌دهند. روحانی روستای قاسم آباد که حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در نزدیکی هشتگرد کرج واقع است ضمن اشاره به فجایع و جنایت هایی که خوانین منطقه در حق روستائیان روا داشته‌اند، می‌گوید: "انتظار نداشتم که در جمهوری اسلامی فرزند ظالم سرهنگ پاشاخان یکی از بنانگذاران ساواک مورد حمایت قرار بگیرد".

باید به این روحانی ساده دل گفت، دیر از خواب بیدار شدی، خان ها بازگشته‌اند و کلاه محرومان روستا همچنان پس معرکه است.

موج فزاینده مهاجرت روستائیان

بازگشت خان ها و زمین داران بزرگ به روستاها که بویژه دهقانان بی زمین و کم زمین را در منگنه فشار قرار داده‌اند، همچنین محرومیت روستائیان از امکان های رفاهی، آموزشی، بهداشتی، عدم واگذاری کمک های فنی و اعتباری دولت و ده ها مسئله دیگر، موجب تشدید روند مهاجرت روستائیان به شهرها و پیوستن آنها به خیل بیکاران و محرومان شده است. دکتر شکور "سرپرست گروه جغرافیای مدرسه تربیت مدرس" می‌گوید: "در کشور ما سه گروه کم زمین ها که ۴۳ درصد آنها تا ۲ هکتار زمین دارند، خوش نشینان فاقد زمین و بیکاران روستاها بیشترین مهاجرت را به شهرها داشته‌اند... بقیه در ص ۵

چسبید. زیرا کمونیسم ماهیتاً با تروریسم تناقض دارد. اما در مورد کشورهای امپریالیستی، به هزار و یک دلیل، چنین چیزی را نمیتوان گفت.

دارند.

با استناد به این حقایق، ناگفته پیداست که چرا سران ج.ا.و دیگر رژیم های مرتجع منطقه انقلاب افغانستان را تهدیدی برای "امنیت ملی" خود قلمداد می‌کنند. بیم آنان از تبدیل شدن انقلاب افغانستان به نمونه‌ای در پیش روی خلق های منطقه است. بر همین اساس رژیم "ولایت فقیه" در هماهنگی با توطئه پردازی های امپریالیست ها، با شتابی سریع کشور ما را به یکی از پایگاه های صدور ضد انقلاب به افغانستان تبدیل میکند. اما مردم میهن ما که خواهان روابط حسن همجواری برپایه احترام متقابل با کشورهای همسایه بویژه خلق برادر افغانستان هستند سیاست مداخله گرانه هیات حاکمه را در امور داخلی افغانستان دمکراتیک محکوم می‌کنند و خواهان برچیدن همه پایگاه های ضد انقلابیون افغانی از خاک کشورمان هستند.

نگاهی به رویدادهای جهان

پایان مفتضحانه توطئه ضد بلغاری

دادگاه رم به بیگناهی سه شهروند بلغارستان اعتراف کرد.

سیزدهم ماه مه سال ۱۹۸۱ محمدعلی آکجا، تروریست ترک و عضو سازمان فاشیستی کرک های خاکستری، در میدان پیرمقدس در واتیکان به جان پاپ سوئد قصد کرد. پاپ شفا یافت و آکجا که بلافاصله دستگیر شده بود پس از محاکمه به حبس ابد محکوم گردید. مدت ها پس از این حادثه سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا (سی-آی-ای) به این فکر افتاد که به هر نحو که شده سوئد قصد علیه جان پاپ لهستانی را به کشورهای سوسیالیستی نسبت دهد تا زمینه برای انواع بهره برداری های رذیلانه فراهم شود. بدین منظور توسط سازمان جاسوسی ایتالیا ("سیسی") و یک سازمان ویژه درونی آن ("سوپرسیسی") شروع کردند با وعده و وعید آکجا را راضی کنند که "حقایق" ناگفته را بازگوید. و چون پس از ترور ایکیچی روزنامه نگار مترقی ترک و فرار از زندان به کمک "کرک های خاکستری" از راه بلغارستان با گذرنامه جعلی به اروپا رفته بود، بلغارستان سوسیالیستی را مبتکر طرح توطئه معرفی کند. بدین منظور اعضای زندانی "کامرا" (مافیای شمال ایتالیا) و همچنین تروریست های زندانی "بریکاردهای سرخ" را نیز برای آماده کردن آکجا به خدمت گرفتند. با مراجعه به پرونده های سازمان جاسوسی ایتالیا سه بلغاری را هم بعنوان قربانی برگزیدند: سرگئی آنتونوف، کارمند شرکت هواپیمایی بلغارستان که هنوز در رم مشغول به کار بود و دوکارمند پیشین سفارت که مدت ها پیش دوران ماموریتشان پایان یافته بود و به کشور خود برگشته بودند. عکس و مشخصات آن را در اختیار این تروریست گذاشتند و آدرس خانه هایشان را به او دادند و حتی مخفیانه وارد خانه سرگئی آنتونوف شدند و از اشیاء موجود در آنجا عکس برداری کردند تا بعدها تروریست بتواند ادعا کند که به خانه آنها برای طرح توطئه سوئد رفت و آمد می کرده است.

در طرح و اجرای این توطئه مقامات آمریکائی نقش بسیار فعالی داشتند و حتی یکبار کسینجر وزیر اسبق امور خارجه آمریکا، با خودستائی گفت که یک روز به هنگام صحبت با ریچارد هلمز رئیس اسبق "سی. آی. ای" که بعدها سفیر آمریکا در ایران شد به این نتیجه رسیده اند که این سوئد قصد فقط کار کشورهای سوسیالیستی می تواند باشد. کلر استرلینگ، خانم روزنامه نگار آمریکایی و پل هنسی که هر دو از کارکنان برجسته "سی-آی-ای" هستند مسئول طرح ریزی "رد بلغاری ها" در توطئه علیه جان پاپ شدند. خانم استرلینگ دو کتاب در این زمینه نوشت و پل هنسی کارهای فنی آن را توسط "سوپرسیسی" - "کامرا" و بریکاردهای سرخ انجام داد. سه سال تمام دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی

چنان سروصدائی علیه بلغارستان سوسیالیستی، اتحادشوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی برافراختند که غیرقابل تصور بود. اما بیش از همه مقامات آمریکایی خود را به این دروغ شرم آور آلوده کردند.

رونالد ریگان در سال ۱۹۸۲ چنین گفت: "ایالات متحده هرآنچه که بتواند خواهد کرد تا توطئه کمونیستی برای کشتن پاپ "یوهان-پاول ۲" انشاء شود."

هنری کسینجر در ژانویه ۱۹۸۲ گفت: "دلایل کافی وجود دارد که بتوان نتیجه گرفت بلغاری ها و در نتیجه شوروی ها در سوئد قصد شرکت داشته اند"

برژنفسکی در مارس ۱۹۸۲ افزود: "اگر دلایل بیشتری مبنی بر این که بلغارستان با سوئد قصد علیه پاپ پیوند دارد پیدا شود باید این کشور را منزوی کرد. نمی توان مناسبات عادی دیپلماتیک با بلغارستان را برقرار نگاه داشت."

مرور کوتاهی بر عناوین مطبوعات غربی-چه ایتالیایی و آمریکایی و چه انگلیسی و آلمانی در سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ بیانگر عمق توطئه است. همه بدنبال "رد بلغاری" و "تروریسم سوسیالیستی" بودند. "ردیای بلغاری ها را پیدا کنید"، "دست مسکو"، "توطئه سرخ"، "تیانچه مارک کا-گ-ب" و غیره. ضمناً انواع سازها را نثار بلغارستان، اتحادشوری و سوسیالیسم می کردند.

اما دادگاه رم پس از ده ماه بررسی، علیرغم فشارهای همد جانبه از سوی محافل داخلی و خارجی ذینفع که دروغ های شادارشان زیر ضربات واقعیات انکارناپذیر رسوا شده بود رای به بیگناهی سه شهروند بلغاری داد و سرگئی آنتونوف را پس از سه سال بی جهت در زندان نگاه داشتن آزاد ساخت. رئیس دادگاه و دستیارانش به همراه هیئت منصفه به مدت هشت شبانروز از مقر دادگاه خارج نشدند تا رای خود را صادر کنند. رای دادگاه عبارت بود از برائت سه شهروند بلغاری به علت "کمبود دلایل" و نه اعتراف کامل به بی پایه بودن توطئه از روز اول. این که در این هشت شبانروز چه گذشته و چرا رئیس دادگاه حاضر نشد رای مربوط به شهروندان بلغاری را خود قرائت کند و معاوض این کار را انجام داد بعدها روشن خواهد شد. وکلای متهمان بلغاری بلافاصله از رای صادر شده تقاضای استیناف کردند.

از نخستین روز روشن بود که این آدمکش حرفه ای به کمک "سوفلور" های پشت سن این اتهامات را علیه سوسیالیسم مطرح کرده است. طی مدت سه سال دروغ گفتند، فریب دادند و دادگستری ایتالیا را به راه دروغین کشاندند. بقیه در ص ۷

دخالت رژیم ج.ا.و ارتجاع منطقه

در امور داخلی افغانستان

دخالت بیشرمانه و آشکار رژیم "ولایت فقیه" در امور داخلی همسایه آزاد و مستقل ما، افغانستان انقلابی، ابعاد وسیعی بخود گرفته است. شواهد موجود در ماه های اخیر نظیر افزایش تجارزهای مرزی، تلاش شبانه روزی برای بهم جوش دادن باندهای راهزنان افغانی، تشکیل جلسه ای از سرکردگان اشرار افغانی در هتل لاله تهران به مناسبت "دهه فجر"، همگی حکایت از تشدید اعمال مفسده جویانه حکام ج.ا.و علیه افغانستان دمکراتیک می کند، از جمله آخرین نمونه اینگونه اقدام های ماجراجویانه اعزام غیرقانونی باندی از نمایندگان ۶ گروه آدمکش ضد افغانی به همراهی چواری فرستاده ویژه آیت اله منتظری بداخل افغانستان است، که رسانه های گروهی رژیم در چهاردهم بهمن سال پیش با آب و تاب تمام به تبلیغ پیرامون آن پرداختند.

بدین ترتیب سردمداران ج.ا.و با سازماندهی مداخله کاملاً آشکار در امور داخلی همسایه آزاد و مستقل ما و دست زدن به ماجرا آفرینی های خطرناک، دور تازه ای از توطئه علیه انقلاب افغانستان را آغاز کرده اند. از ویژگی های این مرحله همکاری تنگاتنگ رژیم با ارتجاع منطقه و هم صدائی با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در دسیسه چینی علیه افغانستان دمکراتیک است. این تصادفی نیست که یکی از مضامین اصلی گفتگو های چند ماه گذشته زمامداران رژیم "ولایت فقیه" با سران کشورهای مرتجع منطقه، همکاری وسیع و هرچه بیشتر طرفین با ضد انقلاب افغانستان بوده است.

شانزدهم دی ماه امسال اوزال، نخست وزیر ترکیه، هنگام بازدید از ایران، "مساله افغانستان" را یکی از محورهای مهم مذاکراتش با مقامات ج.ا.و خواند. ۲۲ دی ماه روزنامه کیهان با صراحت نوشت: "در ارتباط با تهدید امنیت مرزی و ملی پاکستان از جانب دوکانون بقیه در ص ۷

کمکهای مالی رسیده:

- رقمای مزارا ۴۰۰۰۰۰ لیر
- حسینی از نیویورک ۴۷ دلار
- رقمای جنوب آمریکا ۵۰ دلار
- جهانیانی ۵۰ دلار
- چ.ج.کار ۲۰ دلار
- س.دیدار از لس آنجلس ۲۰۰ دلار

NAMEH MARDOM No: 97	P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
	10, April, 1986